کاظم نیکخواه

ما مسبب انزوای رضا مقدم نیستیم

بحث و کشاکش در درون سندیکای شرکت واحد بر سر تشکیل یا عدم تشکیل مجمع عمومی و غیره، بازتاب گسترده ای در جامعه پیدا کرده است. هرکس به فراخور حال جانبی را گرفته است. ما بعنوان حزب کمونیست کارگری در نوشته ها و بحثهای متعددی اعلام کردیم که در بحثها و اتهام زنی هایی که طرفین در سندیکای واحد علیه یکدیگر مطرح میکنند جانب هیچکدام را نمیگیریم و این نوع اتهامات را به زیان جنبش کارگری میدانیم. ما تاکید کردیم که راه برون رفت از این موقعیت مراجعه به توده کارگران یعنی مجمع عمومی اعضا است و این مجمع میتواند نمایندگان راستین کارگران را انتخاب کند و به طرفین و به هر فعال کارگری در سندبکای واحد که دلسوز تشکل کارگران و سندیکای واحد است فراخوان دادیم که اگر میخواهید سندیکای واحد از این وضعیت و شکاف خلاص شود ابتکار تشکیل مجمع عمومی را خود بدست گیرید و توده اعضا را به تجمع و نظر دهی و تصمیم گیری فرا بخوانید و قاعدتا اینجاست که میشود هر توطئه ای را افشا کرد و هرکس را که ریگی در کفش دارد از توطئه گری بازداشت.   
روشن است که این موضع که قبل از آن هم برخی فعالین شناخته شده کارگری اتخاذ کردند در واقع موضع سوم است و با هیچکدام از موضعگیریهای طرفین این کشاکش یکی نیست. اما برخی جریانات و افراد فرصت را غنیمت شمردند تا کینه و نفرت و خصومت خود علیه حزب را بیرون بریزند و با وقاحت و باید گفت با شارلاتانیسم حزبی را که بدون اغراق بیش از هر جریان دیگری علیه حکومت و همه جناحهایش تلاش و مبارزه کرده، کنار جریان امنیتی و امثال اینها قرار دهند. سوال اینست که آیا هرکس ناچار است در این بحث و جدل حتما جانب یکی را بگیرد؟ آیا نمیشود در مارکها و انگهایی که طرفین به هم میزنند سهیمم نشد و از مجمع عمومی یعنی تصمیم توده اعضا دفاع کرد؟ آیا بدیهی ترین موضعی که حزبی مثل حزب کمونیست کارگری میتوانست بگیرد که همیشه از بدو تشکیلش مدافع اصولی مجمع عمومی بوده است، این نیست که امروز در این بحث و اختلاف هم از مجمع عمومی دفاع کند؟   
رضا مقدم چه میگوید؟   
رضا مقدم یکی از کسانی است که فورا در این مورد نیز سر از لاک خود بدرآورد و شروع به در افشانی از نوع خود کرد. رضا مقدم یکی از مدعیان پرمدعا و تنها مانده جنبش کارگری است. براستی فکر میکردم رضا مقدم در سالهای اخیر با چرخیدن به سمت سرنگونی طلبی و شکست و بن بست ارزیابیهای بی پایه اش در مورد دوم خرداد که برخی را در ادامه اشاره میکنم، کینه و دشمنیش با حزب هم کاهش یابد. اما لجن پراکنیهای ماههای اخیرش علیه حزب نشان میدهد که خصومت و نفرت پراکنی او پایان ندارد. دلیلش قطعا اینست که حزب کمونیست کارگری را بانی انزوا و شکستش میداند. او از حزب رفت و ادعا کرد که بزودی حزبی کمونیستی و کارگری خواهد ساخت. اما هرچه زمان گذشت بیشتر و بیشتر منزوی و تنها ماند و در لاک خویش فرو رفت. اما این را نمیفهمد که ما مقصر تنها ماندن و انزوای او و هیچ کس دیگری نیستیم و ازجدایی او از حزب حدود بیست سال گذشته است و اگر او هنوز بعد از این همه سال تنها و منزوی و بدون تشکیلات و حزب است و مدام تنها تر شده است، دیگر باید برای خود او هم روش باشد که مقصر نمیتواند حزب کمونیست کارگری باشد.

بهر رو رضا مقدم تلاش میکند از آب گل آلود اختلاف در سندیکای واحد ماهی بگیرد و تمام کینه خود نسبت به حزب را بیرون بریزد و مثل همیشه به عبث امیدوار باشد که این کشاکش به زیان حزب تمام خواهد شد و در حزب "انشقاق ایجاد خواهد کرد" و در این میان شاید از این نمد کلاهی هم نصیب ایشان شود. او در یک کلیپ ویدئویی کینه و نفرت عمیق خودرا نسبت به حزب کمونیست کارگری و رهبران آن با منتهای جعل و دروغ پردازی بیرون میریزد و از این که ما از برگزاری مجمع عمومی اعضا در سندیکای واحد دفاع کرده ایم بارها ادعا میکند که حزب کمونیست کارگری دست در دست نیروهای امنیتی دارد. این ادعای سخیف در مورد حزبی که فعالترین جریان علیه تمام جناحها و نهادهای جمهوری اسلامی است واقعا بدور از ابتدایی ترین شرافتمندی سیاسی است.   
تطهیر شوراهای اسلامی  
او در جواب سوالی که آیا دفاع حزب کمونیست کارگری به دلیل سیاستهای همیشگی این حزب در دفاع از مجمع عمومی نیست، جواب میدهد که "نخیر. اگر این حزب از مجمع عمومی دفاع میکند چرا از شوراهای اسلامی دفاع نمیکند! زیرا شوراهای اسلامی هم متکی به مجمع عمومی هستند". واقعا انسان از این همه تعفن سیاسی در حیرت میماند. او حاضر است شوراهای کثیف اسلامی را تشکلی متکی به مجمع عمومی توده کارگران قلمداد کند تا لگدی نثار حزب کمونیست کارگری کرده باشد. و این منتهای رذالت و سمپاشی نه فقط علیه حزب بلکه علیه کارگران و سنتهای جمعی است. چه کسی گفته است که شوراهای اسلامی متکی به مجمع عمومی هستند؟ این ها ارگانهای جاسوسی هستند و تنها و تنها متکی به دستورات از مقامات حکومت اسلامی هستند. نه از مجمع عمومی. این را همه دنیا میداند. ا اما رضا مقدم این ادعای زشت را که حتی یک تک نفر انسان شریف در این دنیا به آن اعتقاد ندارد را پیش میکشد تا نشان دهد که حزب کمونیست کارگری طرفدار مجمع عمومی نیست بلکه میخواهد یک جناح راست و امنیتی در سندیکای واحد را جلو بکشد.   
رضا مقدم میداند که از فعالین شناخته شده جنبش کارگری چندین نفر از برگزاری مجمع عمومی سندیکای واحد دفاع کرده اند که از آن جمله میتوان محمود صالحی و واله زمانی را نام برد. رضا مقدم جرات نمیکند اینها را هم دست در دست امینتی ها قلمداد کند و در نتیجه بطور مشخص کار محمود صالحی را اینطور توضیح میدهد که "محمود صالحی اشتباها به این دام افتاه است" اما فورا این تهدید را هم میکند که اگر ادامه دهد دیگر اشتباه نیست. یعنی ایشان همین انگهای کثیف را به سوی او هم پرتاب خواهد کرد.  
افاضات و لجن پراکنی ها و انگهای امنیتی و امثال اینها که رضا مقدم به سوی حزب کمونیست کارگری پرتاب کرده زیاد است.   
سناریوی جعلی: حزب و سندیکای واحد  
ادعای این که حزب گویا به جناح اسانلو در سندیکای واحد سمپاتی دارد و داشته نیز از آن ادعاهای بیمارگونه ایست که با هزار فاکت میشود جعلی بودن و بی پایه بودن آنرا نشان داد. رضا مقدم میگوید تا زمانی که اسانلو و ترابیان و میرزایی در راس سندیکا بودند طرفداران حزب با سندیکا خوب بودند. اکنون هم میخواهند همین جناح را حال بدون اسانلو سرکار بکشند و به این دلیل از مجمع عمومی دفاع میکنند!. این فقط خزعبلاتی است که از ذهن بیمار رضا مقدم بیرون می آید. همانطور که اشاره کردم ما همیشه بنا به اصول برنامه ای مان از مجمع عمومی و تصمیم گیری توده کارگران دفاع کرده ایم. در مورد اسانلو و جناح او هم اتفاقا عکس آنچه را که این آدم میگوید میتوان با صدها فاکت نشان داد. واقعا کدام جریان بیش از حزب کمونیست کارگری وقتی اسانلو سیاستهای راست و توده ایستیش را بیرون ریخت او را نقد کرد؟ شهلا دانشفر، خود من و رفقای دیگری نوشته های متعددی در نقد سیاستهای اسانلو و در دفاع از رادیکالیسم و چپ در جنبش کارگری نوشته ایم که میتوان در جای خود آنها را بعنوان شواهد نشان داد. آیا رضا مقدم میتواند یک تک جمله در دفاع از سیاستهای اسانلو از جانب حزب پیدا کند و نشان دهد؟ مطلقا نه. چون وجود ندارد. اما دهانش را باز میکند و تصویری را که خود در خلوت خود با کینه توزی ساخته است بیرون میریزد و شرم و مسئولیت و امانتداری ای هم در قبال مخاطبش وجود ندارد. یادم نمی آید که رضا مقدم یک بار سیاستهای راست اسانلو را وقتی که از قانون کار حکومت و خانه کارگر و انتخابات حکومتی و غیره دفاع میکرد نقد کرده باشد. ما در عین حال وقتی که اسانلو در زندان بود برای آزادی او تلاش کردیم و اینهم جزو پرنسیپ ماست که از آزادی همه زندانیان سیاسی مستقل از اینکه با آنها اختلافی داریم یا نداریم دفاع میکنیم. به همین دلیل از آزادی رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده و هرفعالی کارگری و سیاسی هم وقتی که در زندان بودند فعالانه دفاع کرده ایم و باز هم خواهیم کرد. فقط یک جریان حاشیه ای بی ربط به جامعه و بی ربط به جنبش کارگری میتواند اینچنین غیر مسئولانه احکام بی پایه و کذب را علیه یک حزب چپ و کمونیست ردیف کند و از اینکه دارد دروغ میگوید خم به ابرو نیاورد. رضا مقدم نیاز به فاکت ندارد. نیاز به حقیقت ندارد. او گویی یک انبان پر از عقده های گذشته نسبت به حزب کمونیست کارگری است و سر هر بزنگاهی مقادیری را بنام "تحلیل" بیرون میریزد و فضا را مسموم میکند. و بازهم متوجه نمیشود که علت انزوا و تنهاییش چیست.

"چرخش به چپ!"

در این ویدئو این تحلیل هم از رضا مقدم بروز میکند که از دی ماه ٩٦ مساله آلترناتیو آینده روی میز آمد و جنبشهای اجتماعی برخی به چپ و برخی به راست چرخیدند و گویا ایشان از آن جنبشهایی هستند که به چپ چرخیده اند. میدانید این تحلیل از کجا می آید؟ حقیقت اینست که تا دی ماه ٩٦ رضا مقدم هنوز فکر میکرد که دوم خرداد یا بقول او "جنبش اصلاحات" پیروز خواهد شد و جمهوری اسلامی خودرا تثبیت میکند. با خیزش دی ماه ضربه ای به مغز ایشان وارد شد و متوجه شدند که سالها در گمراهی بوده اند.   
رضا مقدم قبل از دی ماه طی سالها به همراه رهبر سابقش ایرج آذرین ارزیابی شان این بود که جنبش کارگری شدیدا غیر متشکل و دفاعی است و هیچ تهدیدی برای بورژوازی و جمهوری اسلامی نیست. میگفتند "لیبرالیسم که منظورشان همان دوم خرداد بود تمام اقشار و طبقات جامعه را پشت سر خود دارد"، میگفتند "جمهوری اسلامی به سمت تثبیت و استحکام میرود" و در نتیجه کاری نمیشود کرد جز اینکه " کارگر باید از جناحهایی از سرمایه در مقابل جناح دیگر دفاع کند و وزن سیاسی خودرا پشت سر یک جناح از بورژوازی بیندازد" (بنقل از جزوه چشم انداز و تکالیف نوشته ایرج آذرین و رضا مقدم) منظور اینها این بود که باید از دوم خرداد حمایت کرد. اما وقتی که دیدند همان تعداد معدود همراهانشان هم با این بحثهای راست و ارتجاعی بسرعت پراکنده شدند و تنهایشان گذاشتند به پیله خود رفتند و بعد از مدتی کوپل رضا مقدم – ایرج آذرین هم از هم وارفت و به دو تک نفر مجزا تبدیل شد. بعد از خیزش دی ماه او به نحو خزنده ای به سمت سرنگونی طلبی چرخید اما بروی مبارک نیاورد که ادعاهای قبلیش در مورد "تثبیت حکومت" و "بی تاثیری جنبش کارگری" و جایگاه مسلط دوم خرداد در جامعه و غیره را نقد کند یا حداقل توضیحی در مورد چرخش خود بدهد. چنین انتظاری از اینها بیهوده است. (موضعگیریهای اینها را من همان زمان یعنی در سال ٢٠٠٧ در نوشته ای سه قسمتی تحت عنوان "اولین منادیان جنبش اصلاحات" مفصلا نقد و افشا کرده ام و در نشریات حزب چاپ شده است)  
حال کسی که به کارگران فراخوان میداده است که کارگر باید وزنش را پشت یک جناح علیه جناح دیگر بیندازد، با وقاحت آمده است و ادعا میکند که حزب کمونیست کارگری که رادیکال ترین و سرنگونی طلب ترین حزب در سیاست ایران است و هیچگاه توهمی نسبت به هیچ جناح و دار و دسته حکومتی نداشته است، بدنبال امنیتی ها روان شده است! واقعا دریغ از یک جو امانتداری و شرافتمندی سیاسی و حقیقت گویی!  
ادعاهای سخیف و بی پایه و انگ زدنهای غیر سیاسی در ویدئوی اخیر رضا مقدم بسیار است و واقعا ارزش پاسخگویی ندارد. او به شیوه ای بسیار نازل نقد صمیمانه سخنان رضا شهابی توسط شهلا دانشفر در سال گذشته وقتی که در خارج کشور علیه چپ سخنانی ایراد کرده بود را به نحو بسیار نازل و زشتی تنزل میدهد و میگوید "به او گفتند ما باعث شدیم تو آزاد شوی بنابرین ساکت شو! دهانت را ببند!"  
این نوع دو بهم زنیهای خفیف و حقیرانه فقط از کسی بر می آید که به سیم آخر زده است و فقط میخواهد فضا را مسموم کند و خودرا نیازمند توضیح به کسی نمیداند.  
نکات و ادعاهای بی پایه در ویدئوی رضا مقدم علیه حزب بسیار است و اینجا فقط به چند مورد معدود اشاره کردم. نکته اصلی اینست که ما تاکید کرده ایم که در کشاکش و اختلافاتی که در سندیکای واحد پیش آمده است رجوع به توده اعضا را درست ترین و واقعی ترین و اصولی ترین تصمیم میدانیم و بنظر ما هرکس که بخواهد به تخفیف این بحران کمک کند باید همین موضع و جهت گیری را اتخاذ کند. نباید به این بهانه یا به این دلیل که کسانی که فراخوان مجمع عمومی را داده اند کارنامه خوبی گویا ندارند جلوی مجمع عمومی ایستاد. داور یک تشکل توده ای کارگری خود کارگرانند نه کس دیگری. با برگزاری مجمع عمومی اعضاست که میتوان هر توطئه ای را خنثی کرد و افراد صلاحیت دار را به راس سندیکا انتخاب کرد. دور زدن این مسیر با ادعای اینکه طرف مقابل از امنییتی ها دستور گرفته و غیره به جای خوبی منجر نشده و نخواهد شد. باید تلاش کنیم که این جو مسموم هرچه سریعتر خاتمه یابد.   
کاظم نیکخواه - ١٢ نوامبر

